الابنیهٔ عن حقایق الادویهٔ، کهن‌ترین متن گیاه داروشناسی موجود به فارسی، تألیف موفق‌بن علی هروی، سده چهارم و پنجم هجری

عبدالحسین اسماعیل‌نسب*

دبیرخانه دایره المعارف پزشکی اسلام و ایران، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران

این کتاب درباره مفردات پزشکی و گیاهان دارویی و ویژگیها و کاربرد رایج آنها در پزشکی سنّتی ایران و جهان در آن دوران است. مؤلف در آغاز کتاب، انگیزه خود را از تألیف آن بیان کرده است و می‌گوید چون برخی پزشکان آثار خود را مختصر شرح کرده و گروهی دیگر کامل شرح نکرده بودند، وی این کتاب را تألیف کرده و تمام گیاهان دارویی زمان خود را، که می‌شناخته است، کامل و به نیکوترین روش شرح نموده است (مقدمه، ص ۲).

کتاب یک مقدمه کوتاه و ۲۸ باب دارد. مقدمه با تحمیدیه‌ای کوتاه و مسجع شروع می‌شود (همان، ص ۱). پس از ذکر علت تألیف و نام و ترتیب بابهای کتاب، از مطالعه و پژوهش در کتابها و آرای پزشکان و داروشناسان پیشین و هم‌عصرانش و نیز از داروها و سود و زیان و طبیعت و اثر آنها بحث می‌کند (همان، ص ۲). هروی اعتقاد راسخی به درستی رأی و روش پزشکان هندی دارد و از قول آنان می‌گوید که گیاهان جهان چهار درجه دارند: گیاهانی که فقط مصرف خوراکی (غذایی) دارند؛ گیاهانی که هم مصرف خوراکی و هم دارویی دارند؛ گیاهانی که فقط مصرف دارویی دارند؛ گیاهانی که چون زهر هستند (همان، ص ۳). سپس درباره چهار طبع گرم، سرد، تر و خشک سخن می‌گوید (همان، ص ۴) و آرای پزشکان یونان و روم را شرح می‌دهد و نظر آنان را درباره طبیعت گرم یا خشک برخی داروها و غذاها رد می‌کند و نظر پزشکان هندی را صحیح‌تر می‌داند و یادآوری می‌کند که خود راه و روش هندیان را برگزیده است؛ زیرا در هند دارو فراوان‌تر و بهتر و همّت مردمان آنجا در آموختن پزشکی بیشتر است (همان‌جا).

نام بابها براساس الفبای عربی است، بنابراین داروهایی را که با یکی از چهار حرف ویژه الفبای فارسی؛ یعنی «پ»، «چ»، «ژ»، «گ» آغاز می‌شوند یا در باب‌های دیگر قرار داده است، از جمله «پرسیاوشان» را در باب ب و «چشمیزج» را در باب ج آورده یا آنها را معرّب و در باب مناسب خود نقل کرده است، از جمله «جاورس (← ازران)» معربِ گاورس، «جزر جَندُم» معربِ گوز گندم (گل گندم)، «زیبق» معربِ زیوه و ژیوه (جیوه).

نام گیاهان و داروها بر پایه حروف تَهَجی (الفبا) مرتب شده است تا یافتن آنها برای خواننده آسان باشد، اما این نظم الفبایی فقط در مورد نخستین حرف اسامی رعایت شده است. مؤلف ترجمه کتاب را روضهٔ الأنس و منفعهٔ النَّفس نامیده و آن را الابنیهٔ عن الحقایق الادویهٔ لقب داده است (همان، ص ۵).

مطالب کتاب با «اَرُز» (برنج) شروع و به «یاقوت» ختم می‌شود. نام بسیاری از گیاهان و داروها معرب شده است، از جمله «اسفاناخ»، «ابریسم»، «بنفسج»، «رازیانج»، «فُستُق»، اما گاه به نامهای فارسی مانند «آزادرخت»، «آذربوی»، «پرسیاوشان» و «جوان سپرم» نیز برمی‌خوریم. با وجود قصد نویسنده برای تألیف کتابی مفصّل‌تر از سایر آثار مشابه، توضیح وی درباره برخی داروها بیش از چند کلمه نیست (برای نمونه ← ص ۱۵۲، «دهن السِّعتَر»؛ ص ۳۲۹، «مُخ» (دِماغ))؛ و برای «وَدَع» هیچ توضیحی نیاورده، امّا برخی داروها را به تفصیل توضیح

* فرد مسوول مکاتبات

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-14]

داده است (برای نمونه ← ص ۲۸۵، «لحوم»؛ ص ۳۰۴، «میاه»؛ ص ۲۷۹، «لبن»). ادعای مؤلف در کامل بودن کتاب نیز جای تأمل دارد؛ زیرا در کتابهای قدیم‌تر، از جمله الحاوی (← الحاوی فی الطب)، گیاهانی وجود دارد که در الابنیه نامی از آنها به میان نیامده است (د. بزرگ اسلامی، ذیل «ابومنصور موفق هروی»).

با توجه به عربی بودن نام همه‌ی بابها و نیز نام بسیاری از گیاهان و داروها و برخی شواهد دیگر، برخی گفته‌اند که این کتاب، ترجمه از عربی است و اگر هم ترجمه نباشد، مؤلف در تألیف آن بسیار تحت تأثیر متون طبی و مفردات عربی بوده است (هروی، مقدمه محبوبی اردکانی، ص ۷، به نقل از مجتبی مینوی، و ص ۸-۹). البته زبان عربی قرنها زبان علمی سرزمینهای اسلامی بوده و بیشتر اصطلاحات علمی در همه رشته‌ها به آن زبان بوده است.

در الابنیه خواص دارویی ۵۸۴ ماده بیان شده است که برخی گیاهان دارویی‌اند، برخی مواد کانی مانند «حدید» و «نحاس» (مس) و انواع حجر (سنگ)، «یشم»، یاقوت؛ و برخی مواد غذایی‌اند: «حُین» (پنیر)، «خمر»، «لُحوم» (گوشت) و «سمک».

مؤلف کتابهای حکیمان و پزشکان پیشین را به‌دقت خوانده و ادویه و اغذیه «مفرد و مرکب و کردار هر دارو» را شناخته است (هروی، مقدمه، ص ۱-۲).

هروی کتاب خود را در دربار امیری، که او را المسدد، الموید، المنصور (همان، ص ۲) نامیده، نگاشته است. بر این اساس خاورشناسان اروپایی چون فلوگل (مستشرق آلمانی؛ ۱۸۰۲-۱۸۷۰ م) و زلیگمان تصور کرده‌اند که هروی هم عصر امیر سدید (حک: ۳۵۰-۳۶۶ ق) بوده است (همان، مقدمه مجبوبی اردکانی، ص ۶، به نقل از مجتبی مینوی)، اما علامه قزوینی در درستی نظر آنان تردید دارد (قزوینی، ج ۲، ص ۲۰۲-۲۰۴).

به عقیده محمدتقی بهار (۱۲۶۵-۱۳۳۰) نیز کتاب در دوره امیر سدید تألیف نشده (بهار، ج ۱، ص ۲۳۷) و از نثر کتاب نیز نمی‌توان زمان تألیف آن را تعیین کرد چون سبک نثر سامانی تا نیمه‌ی دوّم سده‌های پنجم و ششم هجری ادامه داشته‌است (همان، ج ۲، ص ۲۵). استوری تاریخ نگارش الابنیه را ۳۶۵ ق می‌داند (استوری، ج ۲، بخش ۲، ص ۱۹۹)، ولی به نوشته‌ی خالقی مطلق، کتاب بین سالهای ۴۳۰ تا ۴۴۵ ق، در دربار امیر ابونصر جستان در ولایت طارم، نوشته شده و هروی و علی‌بن احمد اسدی، شاعر و لغت‌شناس و کاتب سده پنجم هجری، هر دو هم زمان در دربار ابونصر جستان بوده‌اند نه در دربار امیر سدید (ص ۶۶۴-۶۶۵).

می‌توان گفت که نثر علمی فارسی با کتاب الابنیه آغاز می‌شود. ویژگیهای نثر کهن فارسی در آن دیده می‌شود، از جمله آوردن جمعهای فارسی به جای جمعهای عربی (هروی، مقدمه، ص ۱) و به کار بردن هندوان به جای هندوستان که از ویژگیهای نثر پهلوی است و در نثر دری هم به‌کار رفته است (بهار، ج ۲، ص ۲۷). نثر آن ساده و روان و وافی به مقصود است (صفا، ج ۱، ص ۶۲۵). بیشتر واژه‌ها و اصطلاحاتی که از دیرزمان برای داروها در فارسی و عربی به‌کار رفته است، نخست در الابنیه و بعدها در دیگر کتابهای ادویه آمده است (امیری، مقدمه، ص ده) و سلف و جدّ کتابهای داروشناسی فارسی به‌شمار می‌رود (همان، ص بیست و شش). به بیماریهای مشترک میان انسان و حیوانات نیز در آن اشاره شده است (تاج‌بخش، ج ۲، ص ۲۹۶). هروی و ربیع‌بن احمد اخوینی از نخستین پزشکانی‌اند که پس از چیرگی اعراب بر ایران، به تألیف آثاری در زمینه طب پرداخته‌اند (نجم‌آبادی، ج ۲، ص ۶۳۴).

هروی در تألیف این کتاب از آثار پزشکان پیش از خود استفاده و نام آنان را ذکر کرده است: جالینوس (۲۸ بار)، یوحنا (۱۹ بار، ← ادامه مقاله)، دیوسکوریدس (۱۷ بار)، محمد زکریای رازی (۹ بار)، ماسرجویه (ماسرجویه، ۹ بار). با آنکه نویسنده ادعا می‌کند که در هند بوده است و دانش و شیوه پزشکان هندی را توصیه می‌کند (← هروی، مقدمه، ص ۴)، ارجاع او به پزشکان هندی بسیار کمتر است: راطا (۶ بار)، سریفرکوادت (۵ بار)، جاتک (۳ بار)، بهایل (۲ بار)، سری فرکوادت (۱ بار).

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-14]

گفتنی است که هروی هیچ اشاره‌ای به ابن‌سینا و نوشته‌های او ندارد و ظاهراً آثار ابن سینا جزو منابع تألیف الابنیه نبوده، که این امر تأمل برانگیز است؛ دیگر آنکه دو پزشک به نام یوحنا داریم: یوحنا بن ماسویه (← ابن‌ماسویه، خاندان (۱۶۱-۲۴۳ ق)، پزشک مسیحی سریانی زبان، از پزشکان مکتب جندی شاپور که پزشک خلفای عباسی و آوازه و اعتبارش در بغداد بیشتر از دیگر همگنانش بود (رازی، فهرست اعلام طباطبایی، ج ۱، ص ۳۳۰) و دیگری یوحنا بن سرابیون (ابن سرافیون؛ متـ ۲۵۰ ق)، برگرداننده کتابهایی از سریانی به عربی (همان، ج ۱، ص ۳۲۹) که دو کتاب به نامهای الکناش صغیر و الکناش کبیر دارد. بسیاری از نقل قولهای هروی از یوحنا، با نوشته‌های ابن سرابیون در الکناش صغیر مطابقت دارد و آنهایی که در الکناش صغیر نیست، احتمالاً از یوحنا بن ماسویه است (کرامتی، ص ۳۱۲).

نسخه کامل الابنیه به شماره A.F.340، در کتابخانه‌ی وین اتریش، به خط اسدی موجود است. این نسخه به خط کوفی یا نسخی بسیار شبیه به کوفی است (هروی، مقدمه، ص ۴-۵). علامه‌ی قزوینی نسخه‌ی عکسی این کتاب را در ۱۳۱۰ ش تهیه کرد که در کتابخانه ملی موجود است (امیری، مقدمه، ص سیزده). محمدتقی دانش‌پژوه در راهنمای کتاب (ص ۴۹۱) نسخه دیگری از این کتاب را معرفی کرده است که نام کاتب آن مشخص نیست و گویا در سده هفتم و هشتم هجری به خط نسخ کتابت شده است. این نسخه کامل نیست و افتادگیهایی دارد و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

نخستین بار زلیگمان نسخه کامل این کتاب را در ۱۸۵۹ م به طریقه افست به چاپ رساند و بعدها آن را به انگلیسی ترجمه کرد و تفسیری بر آن نوشت. این ترجمه در ۱۹۷۲ م در شهر گراتس اتریش به انضمام افست نسخه اصلی، در همان قطع نسخه اصلی، چاپ شد (هروی، مقدمه محبوبی اردکانی، ص ۴، به نقل از محمد قزوینی؛ خالقی مطلق، ص ۶۴۷). اما پیش از آن ترجمه لاتینی بخشی از آن در ۱۸۳۳ م، از مترجمی ناشناس با مقدمه زلیگمان بر آن به زبان آلمانی، به چاپ رسیده بود (منزوی، ج ۵، ص ۳۲۶۴). در ۱۸۹۲ م عبدالخالق آخوندف بادکوبه‌ای، دانشجوی ایران شناسی مقیم آلمان، الابنیه را برای پایان‌نامه دکتری خود برگزید و شرح کرد و دو سال بعد ترجمه آلمانی آن را به چاپ رساند. کتاب آخوندف دو بخش دارد: بخش یکم برگردان آلمانی الابنیه است و بخش دوم شامل شرح و توضیح مطالب، مقدمه‌ای از پاول هورن (۱۸۶۳-۱۹۰۸ م)، ایران شناس آلمانی، فهرست پنجاه مقاله و کتاب مرتبط با الابنیه و نیز تفسیر مفصّل آخوندف بر کتاب است (خالقی مطلق، ص ۶۴۳-۶۴۴).

در ایران، نخستین بار، بخشی از نسخه کتابخانه وین با مقدمه مجتبی مینوی (۱۲۸۱-۱۳۵۵) و با نام الابنیه در مفردات طبی در ۱۳۴۴ ش به چاپ رسید. پیش از آن در ۱۳۲۹ ش، احمد بهمنیار حواشی و تعلیقاتی بر الابنیه نوشته بود، اما نسخه ماشین شده آن مفقود گشت (هروی، مقدمه، محبوبی اردکانی، ص ۴،۱۰). نسخه‌ی کامل الابنیه به تصحیح احمد بهمنیار و به کوشش حسین محبوبی اردکانی، در ۱۳۴۶ ش، در تهران به چاپ رسید.

منابع

۱. منوچهر امیری، فرهنگ داروها و واژه‌های دشوار یا تحقیق درباره کتاب الابنیه عن حقایق الادویه موفق الدین ابومنصور علی الهروی، تهران ۱۳۵۳ ش.

۲. محمدتقی بهار، سبک شناسی یا تاریخ قطور نثر فارسی، تهران، ۱۳۵۵-۱۳۵۶ ش.

۳. تاجبخش؛ جلال خالقی مطلق، «اسدی توسی: درباره شرح حال اسدی، هویت ممدوحان او، تعیین درحال تألیف کتاب الأبنیه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، سال ۱۳، ش ۴ (زمستان ۱۳۵۶) ش.

۴. محمدتقی دانش‌پژوه، «الابنیه عن حقایق الادویه»، در راهنمای کتاب، سال ۹، ش ۵، (دی ماه ۱۳۴۵) ش.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-14]

۵. د.بـزرگ اسـلامی، ذیـل «ابومنـصور موفـق هـروی» (از بخـش علـوم)؛ محمـدبن زکریـای رازی، الحـاوی، ترجمـه‌ی محمود طباطبایی، ج ۱، تهران ۱۳۶۹ ش.
۶. ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، تهران ۱۳۶۳ ش.
۷. محمد قزوینی، بیست مقاله از مقالات تاریخی و انتقادی و ادبی، تهران ۱۳۱۳ ش.
۸. یونس کرامتی، «بحثی درباره منابع الابنیه عن حقایق الادویه، فرهنگ، سال ۹، ش ۴، زمستان ۱۳۷۵.
۹. منزوی، فهرستواره؛ نجم‌آبادی، تاریخ طب؛ موفق‌بن علی هروی، الابنیه عن حقایق الادویـه، بـه تـصحیح احمـد بهمنیـار و چـاپ حسین محبوبی اردکانی، تهران ۱۳۷۱ ش.
10. Charles Ambrose Storey, Persian Literature: a bio-bibliographical survey, London, 1971.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-14]